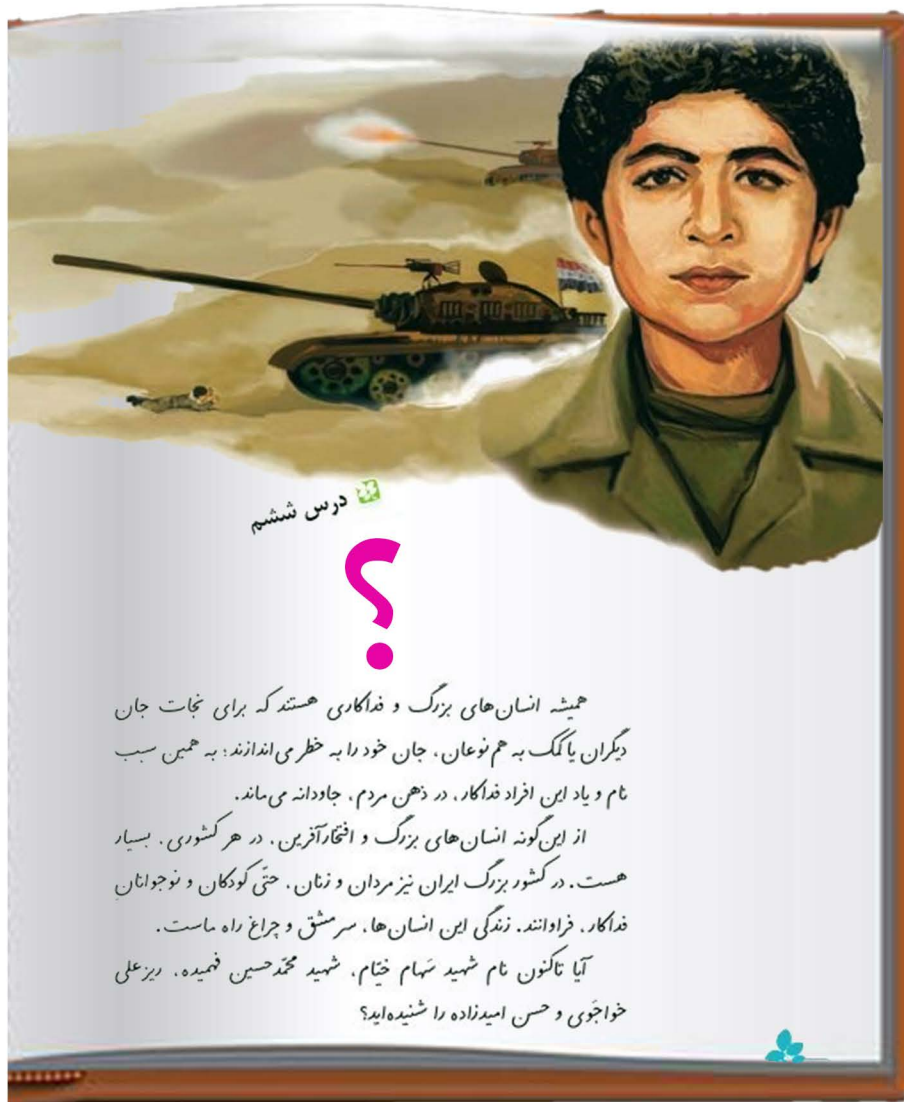


حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

سال ششم، شماره ۲۳/۱۸۱ مهر ۱۴۰۱ / ۱۵ اکتبر ۲۰۲۲

کودک سربازها



درس ششم

؟

همیشه انسان‌های بزرگ و فداکاری هستند که برای نجات جان دیگران یا کمک به هم نوعان، جان خود را به خطری اندازند؛ به همین سبب نام و یاد این افراد فداکار، در ذهن مردم، جاودانه می‌ماند. از این گونه انسان‌های بزرگ و افتخار آفرین، در هر کشوری، بسیار هست. در کشور بزرگ ایران نیز مردان و زنان، حتی کودکان و نوجوانان فداکار، فرادانند. زندگی این انسان‌ها، سرسشق و چراغ راه ماست. آیا تاکنون نام شهید سهام ختام، شهید محمدحسین فمیده، ریزعلی خواجوی و حسن امیدزاده را شنیده‌اید؟

در این شماره می‌خوانید:

سوءاستفاده از کودکان برای سرکوب مردم معترض، مصداق بارز جنایت جنگی

کودک سربازی و قاعده فقهی به جای قوانین بین‌المللی در ایران

کودک سربازی، خشونت‌های جنسی و کابوس‌های شبانه

قوانین مربوط به کودک سربازی و سوءاستفاده از کودکان در مراکز نظامی

استفاده از کودکان در جنگ، جنایت جنگی است

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سرمدبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: محمد مقیمی، سیروان منصوری، علی‌اصغر فریدی (مصاحبه‌ها)

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است
و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.



محمد مقیمی

بر حضور کودکان در میان نیروهای سرکوب در خیزش اخیر مردم ایران وجود دارد. وانگهی، برابر گزارش این سازمان در سال ۲۰۰۷ در بیش از ۲۰ کشور جهان نزدیک ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفر از کودکان سربازان در جنگ‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند، کشورهای سومالی، سودان، اوگاندا، افغانستان، میانمار، اندونزی، سری‌لانکا، لبنان، سوریه و لبنان از جمله کشورهایی هستند که از کودکان در جنگ استفاده کرده‌اند یا می‌کنند.^۲ در هند داوطلبان می‌توانند از سن ۱۶ سالگی به نیروی دریایی هند و از سن ۱۷ سالگی به نیروی هوایی هند بپیوندند. این سربازان پخش و گسترش نمی‌یابند تا پس از آموزش که تا آن زمان سن آن‌ها ۱۸ سال یا بیشتر می‌شود.^۳ نیروی دفاعی استرالیا اجازه می‌دهد تا پرسنل را از سن ۱۷ سالگی با رضایت والدین به خدمت بگیرند. با این حال، پرسنل زیر ۱۸ ساله نمی‌توانند در خارج از کشور مستقر شوند یا در مبارزه مستقیم مورد استفاده قرار گیرند، مگر در شرایط سخت که امکان تخلیه آن‌ها وجود ندارد.^۴ حداقل سن برای شرکت در نیروی زمینی بریتانیا ۱۶ و نیم سال است. برای افراد زیر هجده سال متقاضی شرکت در نیروی زمینی بریتانیا اجازه والدین اجباری است. حدود چهار درصد نیروی زمینی بریتانیا را افراد ۱۶ تا ۱۷ سال تشکیل می‌دهد.^۵ بریتانیا در سال ۲۴ ژوئن ۲۰۰۳ میلادی «پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک، ممنوعیت استفاده از کودکان در جنگ» را پذیرفت. این پروتکل از دولت می‌خواهد که اجازه شرکت اعضای زیر هجده سال ارتش خود را در جنگ ندهند. با این وجود دولت بریتانیا بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ سرباز ۱۷ ساله را به عراق فرستاد.^۶

در دهه هفتاد میلادی، تلاش‌هایی برای جلوگیری از استفاده

سوءاستفاده از کودکان در فعالیت‌های نظامی اشکال گوناگونی دارد، بکارگیری کودکان در میدان جنگ (خط مقدم) که از آن به کودک سرباز یاد می‌شود، یا استفاده از کودکان در عملیات پشتیبانی جنگ از جمله نگهبانی و جاسوسی، بکارگیری به‌منظور ایجاد پروپاگاندا و حتی بردگی جنسی از مواردی سوءاستفاده از کودکان در فعالیت‌های نظامی محسوب می‌شود. مساله کودک‌سربازی، یک معضل بین‌المللی است و در کشورهای مختلف جهان، اشکال گوناگونی از آن وجود دارد. ولی در کشورهای غیردموکراتیک که حقوق بشر از جمله حقوق کودک با چالش بیشتری روبرو است، استفاده از کودکان در فعالیت‌های نظامی و جنگ بیشتر و جدی‌تر است. چنانکه، برابر آمارهایی که خود جمهوری اسلامی منتشر کرده است، در طول جنگ ایران و عراق بیش از ۵۵۰ هزار دانش‌آموز در جبهه‌های جنگ حضور داشته‌اند که بیش از ۳۶ هزار کودک جان باختند، ۲ هزار و ۸۵۳ کودک مجروح و ۲ هزار و ۴۳۳ کودک اسیر شدند. همچنین، برابر گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر، جمهوری اسلامی از کودکان افغانستانی در لشکر فاطمیون^۱ در جنگ سوریه استفاده می‌کند. بدیهی است که این کودکان سربازان بدون آموزش‌های کافی به جبهه‌های جنگ اعزام می‌شوند. این سوءاستفاده از کودکان در فعالیت‌های نظامی همچنان در جمهوری اسلامی به اشکال گوناگون وجود دارد، چنانکه چندی پیش سرودی با عنوان "سلام فرمانده" با بکارگیری کودکان ساخته شده که در راستای «پروپاگاندا» و یکی از مصادیق استفاده نظامی از کودکان است، گزارش‌هایی مبنی

۱- لشکر فاطمیون، یک نیروی شبه نظامی وابسته به سپاه قدس ایران و متشکل از شیعیان افغانستان است.

۲- Campaign Page: Child Soldiers - وبگاه دیده‌بان حقوق بشر.

3 - <https://web.archive.org/web/20080611033144/https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/in.html>

4 - <http://www.defencejobs.gov.au/recruitmentCentre/canJoin/ageAndGender/>

5- <https://fa.m.wikipedia.org/wiki/%D9%86%D8%B1%D9%88%D8%B2%D9%85%D8%A8%D8%B1%D8%AA%D8%A7%D9%86%D8%B8%D8%A7>

6 - http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/6328771.stm



از کودکان در جنگ آغاز شد. ایران پیش از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۵، همراه پاکستان و آمریکا پروتکل الحاقی کنوانسیون ژنو را امضاء کرد. برابر این پروتکل، مشارکت افراد زیر ۱۵ سال در جنگ منع شد. ولی پروتکل یادشده در مجلس ایران تصویب نشد. برابر بند ۲ ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک که ایران نیز بدان پیوسته است، کشورهای طرف کنوانسیون هرگونه اقدام عملی را برای تضمین این که افراد کمتر از ۱۵ سال در مخاصمات بطور مستقیم شرکت نکنند، انجام خواهند داد. همچنین، ماده ۱ پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌دارد: «کشورهای عضو باید اقدامات لازم را بعمل آورند تا مطمئن شوند که در مخاصمات و جنگ‌ها، افراد زیر ۱۸ سال در نیروهای مسلح شرکت نداشته باشند». بند ۱ ماده ۴ پروتوکل پیش‌گفته می‌گوید: «گروه‌های مسلح که مجزا از نیروهای مسلح دولتی هستند، نباید تحت هیچ شرایطی، افراد زیر ۱۸ سال را به استخدام خود جهت شرکت در جنگ درآورند». این مقرر به استفاده از کودکان در سازمان‌های شبه‌نظامی که تحت حمایت دولت‌ها هستند، مانند سازمان بسیج مستضعفین در ایران اشاره دارد. از سویی دیگر، در دهه هفتاد میلادی، تلاش‌هایی برای جلوگیری از استفاده از کودکان در جنگ آغاز شد. ایران پیش از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۵، همراه پاکستان و آمریکا پروتکل الحاقی کنوانسیون ژنو را امضاء کرد. برابر این پروتکل، مشارکت افراد زیر ۱۵ سال در جنگ منع شد، ولی پروتکل یادشده در مجلس ایران تصویب نشد. همچنین،

مطابق اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مصوب سال ۱۹۹۸ که در سال ۲۰۰۲ قابل اجرا شد، «سربازگیری یا نام‌نویسی از افراد زیر ۱۵ سال برای شرکت در درگیری‌های نظامی ممنوع و یک جرم جنگی محسوب می‌شود». در همین راستا، ۲۶ ژوئیه ۲۰۰۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد به اتفاق آراء «قطعنامه ۱۶۱۲ شورای امنیت» را به تصویب رساند، قطعنامه یادشده نخستین گام در راستای ایجاد یک سیستم نظارتی و گزارش‌دهی برای وادار کردن گروه‌های استفاده‌کننده از کودکان در جنگ برای پذیرش قوانین بین‌المللی بوده است.

۱- برابر ماده ۵۳ کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات ۱۹۶۹، قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام، قاعده‌ای است که به وسیله اجماع جامعه بین‌المللی کشورها به عنوان قاعده تعلق‌ناپذیر که تنها توسط یک قاعده بعدی حقوق بین‌الملل عام با همان ویژگی قابل تعدیل می‌باشد، پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است.

نگارنده بر این باور است که جامعه جهانی باید بیشتر وضعیت کودک‌سربازان توجه نشان دهد و منع بکارگیری کودکان (افراد زیر ۱۸ سال تمام) در فعالیت‌های نظامی



کودک سربازی و قاعده فقهی به جای قوانین بین‌المللی در ایران



سیروان منصورى

کودک هست، به خاطر اینکه کودک به لحاظ ذهنی و جسمی، در مقایسه با افراد بزرگسال آسیب‌پذیرتر هست، لذا باید این کودکان مورد مراقبت‌ها و مساعدت‌های مخصوص قرار بگیرند، تا برای زندگی در دنیای آینده‌ای که بزرگ می‌شوند و افرادی باشند اجتماعی، صلح دوست، با مسئولیت‌پذیری و به اصطلاح آراسته به ارزش‌های انسانی و اجتماعی.

لذا از خیلی وقت پیش، این موارد مورد توجه بوده، اما مشخصا راجع به سوال شما در مورد کودک-سربازی، در همین کنوانسیون‌ها هم تصریح شده که می‌شود طی یک شرایطی کودکان بین ۱۵ تا ۱۸ سال را به کار سربازی یا به اصطلاح کارهای نظامی به کار گرفت، البته با حفظ حقوق آنها، به این معنی که اگر قرار است عملیاتی انجام بگیرد و گروهی بین ۱۵ تا ۱۸، هرچی سن آنها بالاتر باشد، باید مسئولیت‌های بیشتر را نسبت به افراد کم سن و سال‌تر به عهده بگیرند. بدین معنی که سپردن مسئولیت به فرد ۱۸ ساله اولویت دارد به فردی که کم سن‌تر هست.

آقای دکتر شعله‌سعدی، به عنوان دومین سوال اجازه بدهید بپرسم که تاریخچه استفاده از کودک-سرباز در جمهوری اسلامی به چه تاریخی برمی‌گردد؟

در جمهوری اسلامی قانون خاصی در این رابطه نداریم، اما راجع به سن کبر یعنی اهلیت قانونی بعد از روی کار اومدن جمهوری اسلامی، تبعیت کرده‌اند از موازین اسلامی قدیم، یعنی مال ۱۴۰۰ سال پیش است، سن دختر را ۹ سال و سن پسر را ۱۵ سال تعیین کردند، اینها در ۱۵ سال و ۹ سال به اصطلاح بالغ می‌شوند و مسئول هستند، یعنی مسئولیت کیفری دارند یعنی اگر یک پسر ۱۵ ساله مرتکب قتل بشود، اون رو قصاص می‌کنند، یا یک دختر مثلا ۹ ساله،

در قوانین ایران یک ابهامات و سردرگمی‌هایی داریم، مثلا تا چند وقت پیش، بچه‌ای که ۱۵ سال سن داشت، می‌توانست در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس رای بدهد، اما نمیتوانست مثلا گواهینامه رانندگی بگیرد. می‌گفتن صغیر است. به هر حال در ایران یک حالت بلبشویی وجود داره، اما خارج از این با توجه به سابقه‌ای که هست، اول انقلاب بسیاری از جوان‌ها را وارد کارهای نظامی کردند، مثلا کمیته‌هایی که اوایل انقلاب تشکیل شد تشکیل شد، این جوانها می‌رفتند عضو می‌شدند و کار نیروی انتظامی را انجام می‌دادند، یا در جنگ ۸ ساله‌ای که از سوی عراق تحمیل شد به ایران، نوجوانانی بودند که بچه محصل بودند، مثل برادر خود من که محصل دبیرستان بود اما

مفهوم کودک در قوانین بین‌المللی و کنوانسیون‌های سازمان ملل با قوانین داخلی کشورها تفاوت‌های اساسی دارد، هرچند کشورهایی که کنوانسیون حقوق کودک را امضا کرده‌اند، به مثابه قوانین داخلی آنها می‌باشد، اما در همین حال کشورها در اجرای کنوانسیون‌ها مطابق قوانین کشور خود حمل می‌کنند. در حالی که مطابق قوانین بین‌المللی افراد زیر ۱۸ سال رسماً کودک محسوب می‌شوند، اما در قوانین کشور ایران، این سن برای دختران ۹ و برای پسران ۱۵ سال تعیین شده است.

از آنجا که مطابق قوانین بین‌الملل و قوانین بین‌الملل بشردوستانه هم استفاده از کودکان در مناسبات داخلی و بین‌المللی ممنوع است، اما بسیاری کشورها این قوانین را زیر پا می‌گذارند. جمهوری اسلامی از آغاز سرکار آمدن، نه تنها از کودکان در سازمان‌های نظامی و انتظامی مثل کمیته‌های اول انقلاب استفاده کرد، بلکه در جنگ هشت ساله ایران و عراق به طور وسیعی از کودکان استفاده کرد، به نحوی که تعداد زیادی از کشته‌شدگان جنگ و اسرا کودک بودند.

اکنون و در میانه قیام مردم ایران علیه حکومت جمهوری اسلامی، رژیم حاکم بر ایران در اقدامی دیگر که مخالف قوانین بین‌المللی و کنوانسیون حقوق کودک است که خود آن را امضا کرده است، برای سرکوب معترضان از کودکان استفاده می‌کند که از آن به کودک-سرباز اطلاق می‌شود.

برای بررسی این مساله از منظر حقوقی، قوانین ایران و قوانین بین‌المللی، مجله حقوق ما گفتگویی با دکتر قاسم شعله‌سعدی، حقوقدان و وکیل دادگستری انجام داده است که متن آن در ذیل آمده است.

مساله کودک-سرباز در قوانین بین‌المللی و کنوانسیون‌های مختلف از جمله کنوانسیون حقوق کودک چگونه تعریف می‌شود؟

در کنوانسیون‌های مربوط به حقوق کودک، می‌توان به کنوانسیون مصوب نوامبر ۱۹۸۹ اشاره کرد، قبل از آن هم در ۱۹۲۴ دوباره راجع به حقوق کودکان کنوانسیون دیگری تصویب شده در مجمع عمومی "جامعه ملل" و موارد مختلف دیگر که فلسفه آنها اصولاً حمایت از

رفت جنگ و همانجا هم شهید شد، یا مثلا اگر خاطره شهید فهمیده رو شما یادتان باشد، یه جوان سیزده ساله دوازده ساله‌ای که با نارنجک رفت زیر تانک عراقی و به شهادت رسید و خمینی هم می‌گفت: رهبر ما مثلا اینه، اون البته در راستای اون اهداف پلید خودش اینجور می‌گفت.

به هرحال در ایران تکلیف روشن است، اولاً سن قانون اهلیت در ایران، با دنیا متفاوت است، ثانياً در خصوص فعالیت‌های نظامی هم متفاوت هست و در حال حاضر نیز همینجور هست.

هم اکنون هم حکومت مجبور شده که برای مقابله با قیام مردم ایران که الان در جریان هست و وارد ۴۲مین روزش شده، از یک سری بچه‌های کم سن و سال استفاده می‌کند و تفنگ داده دست آنها، و آنها هم لابد مثلا یک احساساتی خواهند داشت و احساس قدرت کنند و به هرحال هم اکنون هم از این بچه‌های کم سن و سال حکومت داره سواستفاده می‌کند.

به عنوان سوال سوم، البته یک مقدار هم با سوال دوم ارتباط داره ولی از منظر نظامی به نظر شما کودک-سرباز در قوانین حقوقی و نظامی جمهوری اسلامی چگونه تعریف شده؟

عرض کردم، تعریف ویژه‌ای ندارد و در عمل یه قاعده فقهی دارن اینا که میگه "الضرورات تبیح المعظورات" یعنی هرجایی ضرورت پیدا شد، همه کاری می‌شود کرد، و حتی دست به دامن خارجی‌ها مثل حشدالشعبی و فاطمیون و زینبیون و اینها هم می‌شوند و لذا اگر قرار باشد ما بر اساس مقررات ایران عمل بکنیم، ایران خودش این کنوانسیون رو تصویب کرده، کنوانسیون حمایت از حقوق کودکان مصوب ۱۹۸۹، و طبق قوانین ایران موقعی که یک معاهده، یک کنوانسیون به تصویب میرسد، و از تصویب مجلس میگذرد، در حکم قانون داخلی هست، بنابراین ایران باید مقرراتش رو منطبق کند با همین کنوانسیون، ولی خود این کنوانسیون هم خیلی روشن و دقیق صحبت نکرده، همان طور که در قانون اساسی ما هم موارد زیادی داریم که میگوید فلان کار خوب هست، عیبی نداره مگر اینکه محل به اسلام باشد، خوب همه چی رو هم می‌توانن محل به اسلام تفسیر کنند، لذا من مطالعه‌ای که دارم راجع به این کنوانسیون حقوق کودکان، همونجا هم علیرغم اینکه روح اون کنوانسیون روح حمایتگری از این کودکان هست، و موارد مختلفی رو مورد توجه قرار داده، اما در بسیاری از موارد جای تعبیر و تفسیر موصع گذاشته که حکومت‌ها میتوانند با مذاق خودشون آنها رو تفسیر کنند.



با توجه به اینکه مفهوم کودک در قوانین بین‌المللی با قوانین قضایی جمهوری اسلامی مغایرت دارد، این تناقض چگونه در سیستم جمهوری اسلامی توجیه و تعریف شده است؟

ببینید در کنوانسیون حقوق کودکان هم همین پیشبینی شده است، در این کنوانسیون راجع به سن کودک آمده است که سن کودک زیر هجده سال هست به طور عمومی، اما همونجا گفته کشورها می‌توانند طبق مقررات داخلی خودشون آن را تغییر بدن، اما در مجموع زیر ۱۵ سال را کاملاً کودک تلقی می‌کند، بنابراین این پیمان نامه تلاش می‌کند که از حقوق آنها به نوعی حمایت به عمل بیاد، ولی ایران متأسفانه همانطور که عرض کردم با اینکه این کنوانسیون رو تصویب کرده و در حکم قوانین داخلی ایران هست، اما در بسیاری از موارد آن را رعایت نمی‌کنند، همین الان شما ببینید که تا الان فقط ۳۰ تا کودک به شهادت رسیده در همین قیامی که الان در جریان است. زنان و دختران زیادی رو به شهادت رساندند و کودکان بسیاری را، لذا این حکومتی هست که متأسفانه به هیچ اصولی و به هیچ ارزشی پایبند نیست.

همانطور که خود شما هم اشاره کردید و شاهدید در سرکوب معترضین در هفته‌های اخیر از کودک-سربازان استفاده شده است در ایران، نقش سازمان‌های بین‌المللی و مدافع حقوق

برساند، حتی تعهداتی کرده از جمله طبق اسنادی که رفع طبقه‌بندی شده اخیراً، معلوم شده آقای اوپاما اصلاً تعهد کرده به خامنه‌ای که از اپوزسیون واقعی ایران در برخورداری از مثلاً مسایلی مثل رسانه، مدیا و غیره، جلوگیری بکند و من تعجب می‌کنم چطور به همچنین کسی که عملاً علیه حقوق بشر و علیه حقوق کودکان اقدام کرده، جایزه صلح نوبل هم داده‌اند، لذا به نظرم بهترین راه این است که مردم ما چشمشان رو بر این مراکز و این دولت‌ها ببندند و خودشون باید کار خودشون رو انجام بدن.

به عنوان سوال آخر آقای دکتر شعله‌سعدی؛ از نظر شما چه قدم‌هایی بایستی برداشته بشود تا قوانین جمهوری اسلامی برای صیانت از حقوق کودکان تضمین بشود و چه تغییراتی در قوانین داخلی ایران از این منظر لازم هست؟

خوب ببینید حالا شما بنده رو معرفی کردید به عنوان وکیل دادگستری و حقوقدان، ولی بنده ضمناً فعال سیاسی و تحلیلگر سیاسی هستم، معلم سیاست بودم و جنبش "راه سوم" راه نجات ایران را تدوین کردم و اندیشه‌اش رو تدوین کردم و تبدیل به یک جنبش پیشرو و فراگیر تو کشور شده که برنامه‌ی در واقع تغییر نظام را پیش‌بینی کردیم، یعنی تا این جمهوری اسلامی وجود دارد، همین آش هست و همین کاسه، همین تبه‌کاری‌ها و فسادها و نقض فاحش حقوق بشر، کودک، زن، همه چی هست، بنابراین پیشنهاد من این است الان که به خصوص مردم ما در صحنه هستند و تحولات ایران الان سرعت ویژه‌ای هم به خودش گرفته، بهترین پیشنهاد من این است که تلاش کنند جمهوری اسلامی رو سرنگون کنند، بعدش هم ما پیشنهاد کرده‌ایم که یک نظام سکولار، دموکراتیک، مبتنی بر اعلامیه جهانی حقوق بشر در ایران تاسیس و مستقر بشود که اگر چنین بشود، یعنی اولاً مقررات مذهبی مثل الان در ایران که مشکل‌آفرین هست کنار زده می‌شود و ثانياً اعلامیه جهانی حقوق بشر که اتفاقاً شامل حقوق کودک هم هست، تصریح شده به حقوق کودک در آن اعلامیه، اون هم جزو لاینفک قانون اساسی و رژیم سیاسی آینده خواهد بود.

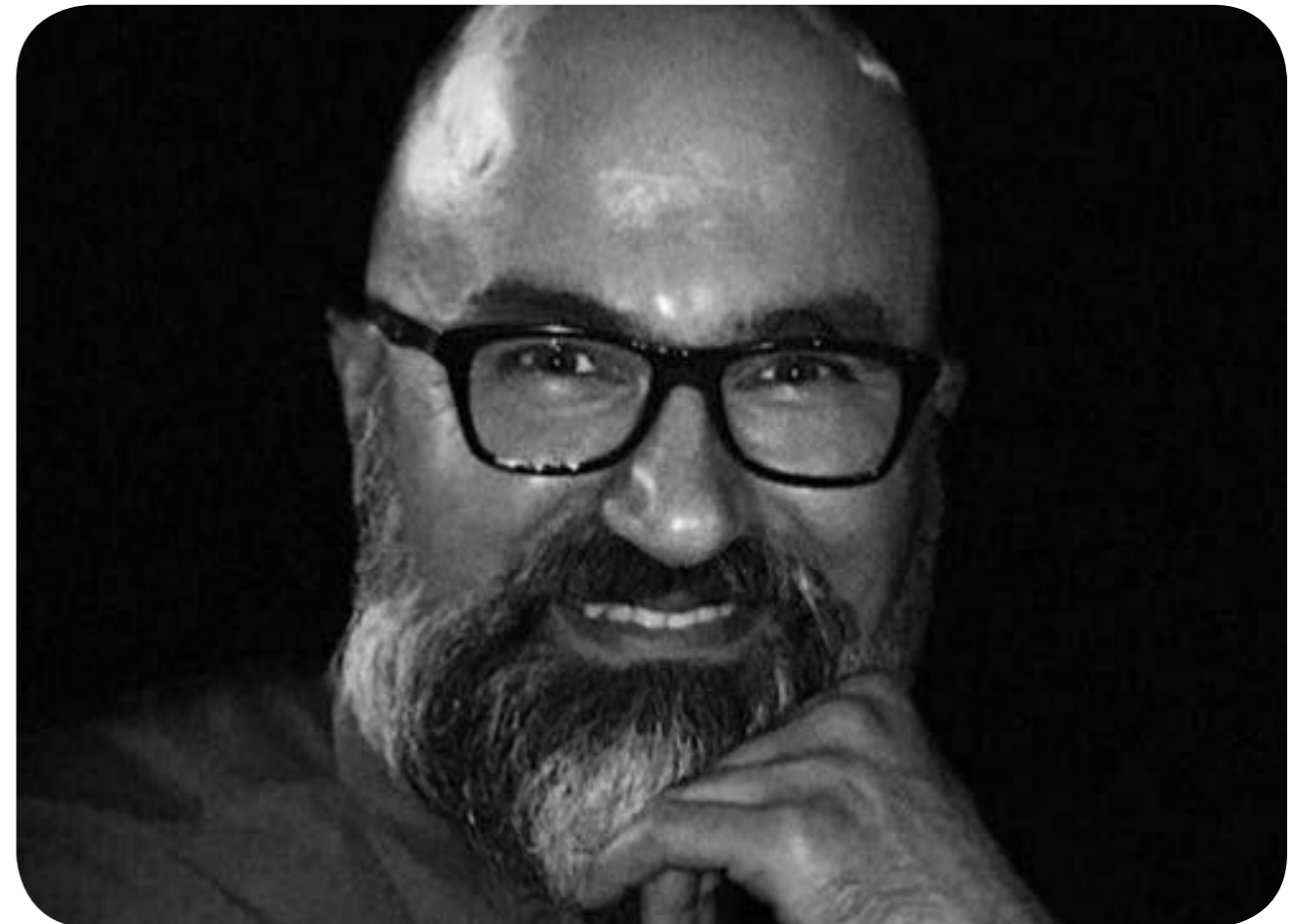
بنابراین کار را به صورت ریشه‌ای حل می‌کنیم اولاً اگر بگوییم جمهوری اسلامی باشد، جمهوری اسلامی خودش بیاد تغییر بدهد، جمهوری اسلامی اهل تغییر نیست، اگر هم تغییر بدهد کار را بدتر میکند نه بهتر. لذا پیشنهاد مشخص من سرنگون کردن جمهوری اسلامی هست.

کودکان در پاسخگو کردن جمهوری اسلامی رو شما چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ببینید مشکلی که ما داریم، مردم ما فکر می‌کنند این مجامع بین‌المللی، یا مراکز مدافع حقوق بشر، سازمان ملل، دولت‌ها، خیلی موثر هستند برای اینکه حقوق بشر و حقوق کودک در ایران رعایت بشود، در حالی که اولویت‌های آنها اصلاً چیزی دیگری است، اولویت اولشان این روزها، الان حداقل از ۲۰ سال پیش به اینور اول بحث اتمی ایران هست که آن رو کنترل کنند، بعد از آن بحث این موشک‌های ایران هست و سیاست بی‌ثبات‌کننده ایران در منطقه و در جاهای دیگر، اینها اولویت‌های اصلی آنها است چون مستقیماً با امنیت‌شان ارتباط دارد و بعد از این تازه میرسد به منافع تجاری و اقتصادی‌شان، بنابراین اگر بخواهیم واقعیت رو بگوییم این هست که بحث حقوق بشر و حقوق کودک برای کشورهای خارجی و مراکزی که عرض کردم به اولویت پنجم ششم و به آخر خط میرسد.

یک نمونه آن را همین چند روز پیش آقای "اوپاما" اعلام کرد ما در سال ۸۸ یعنی ۱۳ سال پیش که یک کودتای انتخاباتی در ایران انجام شد و مردم قیام کردند و مردم به روشنی فریاد زدند و سوال کردند: "اوپاما، یا با اونا یا با ما" یعنی یا با حکومتی یا با ملت، خوب ایشون طرف حکومت رو گرفت و برای اینکه "برجام" را به نتیجه‌ای

کودک سربازی، خشونت‌های جنسی و کابوس‌های شبانه



گرفتن آنها در نقش جاسوس و پیام‌رسان، به کار گماردن آنها به عنوان نگهبان و در کل هرگونه استفاده از کودکان در فعالیت‌های نظامی و عضویت آنها به هر شکلی در گروه‌های مسلح، مصداق کودک سربازی است.



علی اصغر فریدی

کودک سربازها بیشتر در کدام ارتش‌ها یا گروه‌های چریکی به کار گرفته می‌شوند؟

ما می‌توانیم کودک سربازها را هم در درگیری و جنگ بین دولت‌ها و کشورها ببینیم، به عنوان مثال در جنگ هشت ساله میان ایران و عراق و هم در درگیری میان گروه‌های مسلح با یک دولت مستقر که نمونه‌های فراوانی از آن را در شمال آفریقا شاهد هستیم، همچنین در جنگ‌های داخلی هم همانند جنگ داخلی سوریه، از کودک سربازها استفاده شده است. اما به دلیل عدم وجود آمار دقیق، ما دقیقا نمی‌دانیم که چه تعداد کودک سرباز وجود دارد یا چه تعدادی تاکنون چنین تجربه‌ای را داشته‌اند.

با این حال آنچه که از اظهارات و گزارش‌های سازمان ملل و نهادهای مرتبط با آن و به ویژه دبیرکل سازمان ملل در مورد کودکان در مناقشات مسلحانه می‌شنویم، این است که دولت‌ها و به ویژه کشورهای عضو سازمان ملل تلاش کرده‌اند و یا ظاهراً نشان می‌دهند که از کودکان در مناقشات و درگیری‌های مسلحانه استفاده نمی‌کنند. از طرفی موضوع برخورد با گروه‌های مسلحی که از کودکان به عنوان سرباز استفاده می‌کنند، بحث و برنامه‌ریزی برای بازاجتماعی شدن این کودکان، جبران خسارت به این کودکان و متعهد کردن گروه‌های مسلح شورشی برای عدم استفاده از کودکان مطرح است.

در ایران، اگر جنگ هشت ساله ایران و عراق را به دلیل اینکه پیمان‌نامه حقوق کودک هنوز تدوین نشده بود، به حساب نیاوریم، اما بعد از آن به صورت رسمی و مشخص، کودکان عضو بسیج دانش‌آموزی و بسیج مدارس می‌شوند که به نوعی زیرشاخه سپاه پاسداران به عنوان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند. از این کودکان که جذب بسیج شده‌اند در سال ۸۸ و اعتراضات موسوم به جنبش سبز، اعتراضات دی ماه ۹۶، آبان ۹۸ و اعتراضات اخیر یعنی شهریور ۱۴۰۱ در شکل‌های مختلف استفاده کرده است. جمهوری اسلامی همچنین از کودکان که جذب بسیج شده‌اند علاوه بر استفاده از آنها در سرکوب اعتراضات، از این کودکان در مناقشات دیگر از جمله به عنوان نیروی امر به معروف و نهی از منکر استفاده می‌کند.

کودک سرباز بودن چه تاثیرات مخربی می‌تواند بر روحیه آنها در بزرگسالی داشته باشد؟ و یا اینطور بگوییم، سازماندهی کودکان

در زمانی که شخصیت کودک در حال شکل‌گیری است، اگر کودک در محیط نظامی که سلسله مراتب و نفوذ قدرت حاکم است قرار بگیرد، باعث می‌شود شرایط و ویژگی‌هایی که باعث رشد شخصیت کودک می‌شود وجود نداشته باشد و کودک در موقعیت ضعیف‌تری از لحاظ روحی و جسمی قرار می‌گیرد که باعث عدم اعتماد به نفس کودک بشود و بر تصمیمات و رفتارهای او تاثیر منفی بگذارد.

کودکانی که چنین تجربه‌ای دارند و در چنین محیط‌هایی رشد کرده‌اند، از اضطراب و کابوس‌های شبانه صحبت کرده‌اند که تا بزرگسالی هم در آنها باقی مانده است. در بعضی از آنها در سنین جوانی و بزرگسالی هم ممکن است از اختلال اضطراب پس از سانحه مواجهه رنج ببرند که همه اینها می‌تواند بر روابط اجتماعی و حرفه‌ای آنها تاثیر منفی بگذارد.

بر اساس تجربه‌های ما، کودک سربازها و کودکانی که در محیط‌های نظامی قرار می‌گیرند، برای اینکه در آن ساختار پذیرفته بشوند و تحت خشونت بیشتر قرار نگیرند، خشونت می‌ورزند و برای اینکه خودشان را اثبات کنند و بتوانند نشان بدهند که ضعیف نیستند، اعمال خشونت می‌کنند. اگرچه این بدان معنا نیست که آنها لزوماً خشونت‌گر باقی می‌مانند، اما این اعمال آثار منفی خود را در کودکی و بزرگسالی بر این افراد برجایی می‌گذارد. این بخشی از سخنان حامد فرمند فعال حقوق کودک است با مجله حقوق ما، در مورد کودک سربازی. مشروح این مصاحبه را می‌توانید در زیر بخوانید

این روزها و به ویژه در اعتراضات اخیر در ایران، واژه کودک سرباز را زیاد می‌شنیدیم، کودک سرباز به چه معنی است و به چه کسانی گفته می‌شود؟

واژه کودک سرباز در مفهوم بین‌المللی و بنابه آنچه که در پیمان‌نامه حقوق کودک و ضمیمه اختیاری این پیمان‌نامه آمده است، عبارت است از ممانعت حضور کودکان در مناقشات مسلحانه، یعنی تمام افراد زیر ۱۸ سالی که به هر شکلی در گروه‌های نظامی عضویت و از آنها در فعالیت‌های نظامی استفاده می‌شود. این فعالیت‌ها می‌تواند شرکت دادن این کودکان در خط مقدم جبهه جنگ به عنوان جنگجو، انجام کارهای تدارکاتی و ایفای نقش تدارکاتچی، به کار

در گروه‌های نظامی چه عواقبی برای کودک به دنبال خواهد داشت؟

کودک سرباز بودن از همان ابتدا، به دلیل قرار گرفتن کودک در محیطی که مبتنی بر سلسله مراتب قدرت و حتی در بعضی موارد مبتنی بر مردسالاری است، آثار مخرب خودش را بر روح و روان کودک برجایی می‌گذارد. کودک وقتی در یک محیط نظامی قرار می‌گیرد، به گونه‌ای رشد می‌کند که فرمانبردار باشد و از دستورات اطاعت کند.

در زمانی که شخصیت کودک در حال شکل‌گیری است، اگر کودک در محیط نظامی که سلسله مراتب و نفوذ قدرت حاکم است قرار بگیرد، باعث می‌شود شرایط ویژگی‌هایی که باعث رشد شخصیت کودک می‌شود وجود نداشته باشد و کودک در موقعیت ضعیف‌تری از لحاظ روحی و جسمی قرار می‌گیرد که باعث عدم اعتماد به نفس کودک بشود و بر تصمیمات و رفتارهای او تاثیر منفی بگذارد.

کودکانی که چنین تجربه‌ای دارند و در چنین محیط‌هایی رشد کرده‌اند، از اضطراب و کابوس‌های شبانه صحبت کرده‌اند که تا بزرگسالی هم در آنها باقی مانده است. در بعضی از آنها در سنین جوانی و بزرگسالی هم ممکن است از اختلال اضطراب پس از سانحه مواجهه رنج ببرند که همه اینها می‌تواند بر روابط اجتماعی و حرفه‌ای آنها تاثیر منفی بگذارد.

بر اساس تجربه‌های ما، کودک سربازها و کودکانی که در محیط‌های نظامی قرار می‌گیرند، برای اینکه در آن ساختار پذیرفته بشوند و تحت خشونت بیشتر قرار نگیرند، خشونت می‌ورزند و برای اینکه خودشان را اثبات کنند و بتوانند نشان بدهند که ضعیف نیستند، اعمال خشونت می‌کنند. اگرچه این بدان معنا نیست که آنها لزوماً خشونت‌گر باقی می‌مانند، اما این اعمال آثار منفی خود را در کودکی و بزرگسالی بر این افراد برجایی می‌گذارد.

همانطور که گفتیم، اگرچه لزوماً این افراد خشونی‌گر باقی نمی‌مانند، اما اعمال خشونت و انجام اینگونه رفتارها از سوی کودک، به ویژه به خاطر فضای پر فشار محیط‌های نظامی، آثار مخربی را بر روح و روان کودک برجایی می‌گذارد و باعث ایجاد عذاب وجدان، نگرانی و اضطراب در این کودکان می‌شود. همینکه کودک باید نگران پذیرفته شدن و خشونت ندیدن باشد، فضای پراضطرابی را برای کودک ایجاد می‌کند که بر روح و روان او تاثیر مخرب می‌گذارد و حتی بر رشد مغز کودک تاثیر منفی باقی می‌گذارد. علاوه بر آنچه که گفتیم، کودک سربازها از مجموعه‌ای از حقوقشان، همچون آموزش، حق تفریح و شاد بودن و شاد زیستن، حق آموزش مفاهیم صلح و انسان‌دوستی و مفاهیم حقوق بشر، محروم هستند.



FARS Hossein Mersadi

هم به کودک وارد می‌کند او را مقصر می‌داند، باعث می‌شود که کودک سرباز از روی شرم، این نوع تجاوز را آشکار و بیان نکند. که این باعث می‌شود کودک به هر فرمانی تن بدهد و حتی بارها و بارها مورد تعرض جنسی قرار بگیرد و با آن مواجهه بشود.

متأسفانه علاوه بر اینکه ساختار محیط‌های نظامی شرایط تعرض جنسی به کودک سربازها را فراهم می‌کند، این ساختار عمدتاً نظارت‌پذیر هم نیست و عمدتاً از ایجاد شرایط و موقعیتی که باعث جلوگیری کردن خشونت و تعرض به کودک سربازها بشود، جلوگیری می‌کند.

نکته‌ای که مطرح هست، این است که قوانین ایران در مورد کودک سرباز چه می‌گوید؟ ایران در سال ۱۳۷۲ مدتی بعد از تصویب پیمان‌نامه حقوق کودک، به این پیمان‌نامه پیوست که طبق این پیمان‌نامه، پیوستن کودکان به ارگان‌های نظامی و حضور آنها در مناقشات مسلحانه تا حداقل سن ۱۵ سالگی، مطلقاً ممنوع است و پس از آن تا سن ۱۸ سالگی باید اولویت با بزرگسالان باشد. البته این روشن نیست که اولویت بزرگسالان چگونه باید مشخص شود. اما

دولتی که کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال را وارد نیروهای نظامی می‌کند باید روشن کند که افراد بزرگسال نبوده و مجبور شده که کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال را عضو نیروهای نظامی کند، یعنی شرایط باید آنقدر بحرانی باشد که بعد از اینکه بزرگسالان به نیروهای نظامی پیوستند و باز هم نیاز به نیروی بیشتر بود، آن وقت باید کودکان هم با اولویت بعدی و با در نظر گرفتن عدم قرار نگرفتن آنها در صف مقدم جنگ به عضویت نیروهای نظامی در بیایند.

نماینده ایران در سازمان ملل، ضمیمه پیمان‌نامه حقوق کودکان در مورد عدم حضور افراد کم سن و سال را امضا می‌کند، اما در سال ۸۹ و پس از شش سال از امضای آن به مجلس ایران فرستاده می‌شود که همان زمان از دستور کار مجلس ایران خارج می‌شود. بنابراین ایران عملاً ممنوعیت مطلق پیوستن کودکان به گروه‌های نظامی و عدم حضورشان در مناقشات مسلحانه را نپذیرفته و بنابه اطلاعاتی که به ما رسیده است، موضوع شرایط سنی که در پیمان‌نامه حقوق کودک آمده، در ایران کنار گذاشته شده و رعایت نمی‌شود.

برخلاف گفته یکی از نمایندگان مجلس ایران که در رابطه با حضور کودکان در سرکوب اعتراضات اخیر در سال ۱۴۰۱ گفته بود، بسیج مملن است از این کودکان استفاده کرده باشد، اما آنها تابع قوانین نیروهای مسلح نیستند، باید بگوییم که حضور کودکان در بسیج که خود بسیج شاخه‌ای از سپاه پاسداران به عنوان یکی از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی است، کاملاً بر اساس قوانین جمهوری اسلامی صورت گرفته و اثبات حضور کودک سرباز در نیروهای مسلح ایران است.

اوایل انقلاب و پس از شروع جنگ هشت ساله میان ایران و عراق، بر اساس فرمان آیت‌الله خمینی، بسیج دانش‌آموزی شکل گرفت و و این سازمان نیم میلیون کودک را راهی جبهه‌های جنگ کرد که حداقل حدود ۴۰۰۰۰ (چهل هزار) نفر از این کودکان را به کشتن داد.

همچنین در سال ۱۳۷۵ در مجلس ایران، قانون تشکیل و توسعه سازمان بسیج دانش‌آموزی شکل گرفت و طبق این قانون، همکاری تنگاتنگ و مشخص و رسمی میان بسیج و وزارت آموزش و پرورش به عنوان بخشی از بدنه دولت، به وجود آمد که طبق آنچه که در آئین‌نامه بسیج آمده است، کودکان می‌توانند از سن ۱۱ سالگی عضو بسیج بشوند و از ۱۵ سالگی هم عضو فعال این سازمان باشند و اسلحه به دست بگیرند. هرچند برخی از مشاهدات نشان می‌دهد که کودکان زیر ۱۵ سال عضو بسیج هم اسلحه دست می‌گیرند.

بنابراین آنچه که ما در مورد حضور کودک سرباز در بسیج، که بخشی از بدنه نیروهای مسلح ایران است، می‌بینیم، کاملاً بر اساس قوانین ایران صورت می‌گیرد و البته خلاف قوانین بین‌المللی و تعهدات جمهوری اسلامی است.

قوانین مربوط به کودک سربازی و سوءاستفاده از کودکان در مراکز نظامی



علی اصغر فریدی

نتیجه افرادی که کمتر از ۱۸ سال سن داشته باشند، اگر توسط حکومت‌ها یا گروه‌های دیگر به عنوان نیروی نظامی مورد استفاده قرار بگیرند، به عنوان کودک سرباز شناخته می‌شوند. در واقع برای کودک سرباز شناختن افراد زیر ۱۸ سال، نیازی نیست که آنها باید در جبهه جنگ اسلحه به دست گرفته باشند، بلکه اگر این کودکان حتی در محیط‌های نظامی همچون پادگان‌ها به عنوان نگهبان هم ایفای نقش کنند یا در یک منطقه نظامی یا جنگی بدون اینکه مسلح باشند و از آنها به عنوان جاسوس، پیام‌رسان و یا تدارکاتچی از آنها استفاده بشود، بازهم بر اساس تعریفی که امروزه در قوانین بین‌المللی آمده، مشمول مفهوم کودک سرباز هستند.

قوانین داخلی ایران و همچنین قوانین بین‌المللی در مورد سن افراد برای ورود به نیروهای نظامی و انتظامی چه می‌گوید؟

در رابطه با این سوال من ابتدا به قوانین بین‌المللی می‌پردازم و سپس قوانین ایران را بازگو می‌کنم. بر اساس قوانین بین‌المللی در رابطه با ممنوعیت به کارگیری کودکان به عنوان نیروی نظامی می‌توان به مهم‌ترین قانون یعنی پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک اشاره کرد. در ماده ۳۸ این پیمان‌نامه به صراحت از حکومت‌ها می‌خواهد که قوانین این کنوانسیون و دیگر قوانین حقوق بشری را در هنگام مخاصمات مسلحانه، در جایی که به کودکان مرتبط هست، رعایت کنند. ضمن آنکه از کشورهای عضو کنوانسیون تعهد می‌گیرد که تضمین کنند، اشخاص زیر ۱۵ سال را در مخاصمات مسلحانه شرکت مستقیم ندهند. این پیمان‌نامه همچنین از کشورها می‌خواهد که تلاش کنند اشخاص زیر ۱۵ سال را اساساً در نیروهای مسلح استخدام نکنند.

همچنین در بند سوم ماده ۳۸ پیمان‌نامه حقوق کودک از کشورها می‌خواهد که سن ۱۵ سال را به ۱۸ سال افزایش بدهند. در واقع زمانی که پیمان‌نامه حقوق کودک یعنی سال ۱۹۸۹ به تصویب رسید، همچنان بسیاری از کشورها از افراد ۱۵ سال برای ورود به نیروهای نظامی استفاده می‌کردند، بنابراین در بند ۳ ماده ۳۸ این پیمان‌نامه تلاش بر این بود که سن افراد برای ورود به نیروهای نظامی را از ۱۵ به ۱۸ سال افزایش بدهند. در بند ۴ ماده ۳۸ پیمان‌نامه حقوق کودک از کشورهای عضو

در اساسنامه رم دیوان بین‌المللی کیفری هم استفاده از کودکان زیر ۱۵ سال را به عنوان نیروهای نظامی در درگیری‌ها و جنگ‌ها و همچنین به کارگیری کودکان به عنوان نیروی نظامی در زمان صلح را ممنوع و به عنوان جرم بین‌المللی کیفری جرم‌نگاری کرده و استفاده از کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای نظامی را جنایت جنگی می‌داند، بنابراین استفاده از کودکان زیر ۱۵ سال چه در جنگ و چه در زمان صلح، جرم بین‌المللی و جنایت جنگی است و قابلیت تعقیب کیفری بین‌المللی را دارد.

شورای امنیت سازمان ملل هم یک قطعنامه دارد به نام قطعنامه ۱۶۱۲ که در سال ۲۰۰۵ تصویب شد، در این قطعنامه هم استفاده از کودکان به عنوان سرباز یا استخدام کودکان به عنوان نیروی نظامی از سوی شورای امنیت، به صراحت ممنوع اعلام شده است. این سازمان حتی مکانیزم نظارتی هم برای نظارت بر عملکرد کشورها و گروه‌های نظامی ترتیب داده و دبیرکل سازمان ملل موظف است بر اساس این قطعنامه هر ساله به شورای امنیت، در مورد اینکه در کدام کشورها یا کدام گروه‌ها از کودکان به عنوان نیروی نظامی استفاده کرده‌اند، گزارش بدهد. این‌ها بخش‌هایی از سخنان معین خزائلی حقوقدان است در مصاحبه با مجله حقوق ما در مورد کودک سرباز که مشروح آن در زیر آمده است

این روزها و به ویژه در اعتراضات اخیر در ایران، واژه کودک سرباز را زیاد شنیدیم، کودک سرباز به چه معنی است و به چه کسانی گفته می‌شود؟

مفهوم کودک سرباز، به استفاده نهادهای نظامی یعنی حکومت‌ها و یا گروه‌های شبه‌نظامی یا گروه‌های سیاسی، از کودکان به عنوان نیروی نظامی، اشاره می‌کند. در حقیقت کودکانی که از سوی حکومت‌ها یا گروه‌های دیگر به عنوان نیروی نظامی در جنگ به عنوان نگهبان، جاسوس یا پیام‌رسان و یا حتی بردگی جنسی مورد سوءاستفاده قرار بگیرند، به آنها واژه کودک سرباز اطلاق می‌شود.

نکته مهم این است که در حقیقت کودک سرباز سن مشخصی دارد و بر اساس آنچه که کنوانسیون جهانی حقوق کودک تعریف کرده، سن زیر ۱۸ به عنوان سن کودکی تعریف شده و در

می‌خواهد که از همه افراد غیرنظامی به ویژه کودکان، در زمان مخاصمات مسلحانه حمایت کنند. روشن است که بر اساس پیمان نامه حقوق کودکان، به کارگیری کودکان به ویژه افراد زیر ۱۵ و همچنین زیر ۱۸ سال به عنوان نیروی نظامی ممنوع است. علاوه بر پیمان نامه کودک، یک پروتکل اختیاری هم دارد به نام پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک که در این پروتکل اختیاری، به ویژه به بحث ممنوعیت استفاده از کودکان به عنوان نیروهای نظامی، توسط دولت‌ها و گروه‌های دیگر نظامی، پرداخته و مشخصات روشن‌تری را به وضوح مشخص می‌کند تا از به کارگیری و هرگونه ارتباط کودکان با نهادهای نظامی را به عنوان کودک سرباز نشان و آن را ممنوع اعلام کند. در اساسنامه رم دیوان بین‌المللی کیفری هم استفاده از کودکان زیر ۱۵ سال را به عنوان نیروهای نظامی در درگیری‌ها و جنگ‌ها و همچنین به کارگیری کودکان به عنوان نیروی نظامی در زمان صلح را ممنوع و به عنوان جرم بین‌المللی کیفری جرم‌نگاری کرده و استفاده از کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای نظامی را جنایت جنگی می‌داند، بنابراین استفاده از کودکان زیر ۱۵ سال چه در جنگ و چه در زمان صلح، جرم بین‌المللی و جنایت جنگی است و قابلیت تعقیب کیفری بین‌المللی را دارد.

شورای امنیت سازمان ملل هم یک قطعنامه دارد به نام قطعنامه ۱۶۱۲ که در سال ۲۰۰۵ تصویب شد، در این قطعنامه هم استفاده از کودکان به عنوان سرباز یا استخدام کودکان به عنوان نیروی نظامی از سوی شورای امنیت، به صراحت ممنوع اعلام شده است. این سازمان حتی مکانیزم نظارتی هم برای نظارت بر عملکرد کشورها و گروه‌های نظامی ترتیب داده و دبیرکل سازمان ملل موظف است بر اساس این قطعنامه هر ساله به شورای امنیت، در مورد اینکه در کدام کشورها یا کدام گروه‌ها از کودکان به عنوان نیروی نظامی استفاده کرده‌اند، گزارش بدهد.

این قوانین نشان می‌دهد که استفاده کودکان به عنوان نیروی نظامی، از منظر قوانین بین‌المللی به طور کامل ممنوع است و برخلاف کامل کنوانسیون حقوق کودک، جرم بین‌المللی و بر اساس اساسنامه رم دیوان بین‌المللی کیفری، جنایت جنگی است و همچنین براساس قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد، حتی می‌تواند سبب ورود شورای امنیت به موضوع بشود.

در ایران اما، ما قانون صریحی نداریم که استفاده از کودک به



عنوان نیروی نظامی را ممنوع کرده باشد، در واقع به جز قانون خدمت وظیفه عمومی که اشاره می‌کند، افراد ذکوری که به سن ۱۸ سالگی می‌رسند به خدمت عمومی فراخوانده می‌شوند، هیچ قانونی در این زمینه ممنوعیت استفاده از کودکان به عنوان نیروی نظامی و ممنوعیت کودک سربازی وجود ندارد.

اما از آنجا که ایران به پیمان نامه جهانی حقوق کودک پیوسته و آن را هم تصویب کرده است، براساس قانون مدنی، پیمان‌نامه‌های جهانی که ایران آنها را امضاء و متن آنها را در مجلس تصویب می‌کند، به مانند قانون داخلی است و حکم قوانین داخلی را دارند و حکومت موظف است که آنها را اجرا کند. در نتیجه پیمان نامه جهانی حقوق کودک را که در ایران هم تضمین شده و باید قابل اجرا باشد، می‌توان با عنوان قانونی در زمینه ممنوعیت استفاده از کودکان در نیروهای نظامی در ایران، برشمرد.

ایران به همراه هفت کشور دیگر از جمله، لبنان، سومالی، زامبیا و ... به پروتکل اختیاری حقوق کودک در مورد شرکت کودکان در جنگ نپیوسته، یعنی آن را امضا کرده اما در مجلس به تصویب

دانش‌آموزان در عمل فعالیت نظامی نمی‌کنند. در واقع نه تنها فعالیت نظامی انجام نمی‌دهند، بلکه حتی در محیط نظامی هم فعالیت نمی‌کنند، آنها نه در پادگان هستند نه در محیط نظامی. منظر حقوقی اثبات کودک سرباز بودن کودکان در بسیج دانش‌آموزی مشکل است، اما مسئله اصلی اینجا است که بسیج و وابستگی که به سپاه پاسداران دارد، این نهاد را به صورت کامل به یک نهاد نظامی تبدیل کرده است. بنابراین شاید بتوان از لحاظ تئوری در این مورد بحث کرد که به دلیل وابستگی بسیج به سپاه پاسداران که یک ارگان نظامی است شرکت دانش‌آموزان در بسیج دانش‌آموزی را به چالش کشید، اما بنابه دلایلی که قبلاً گفتیم، اثبات کودک سربازی کمکی مشکل است.

آیا عضوگیری دانش‌آموزان در سازمان بسیج دانش‌آموزی که زیرمجموعه بسیج و سپاه پاسداران است و سپاه نیز شاخه‌ای از نیروهای مسلح ایران، می‌تواند مغایر با قوانین ایران و نقض حقوق کودکان باشد؟

همانطور که پیشتر هم گفتیم، چون ما در ایران قانونی در این زمینه نداریم، این مسئله مغایر با قوانین فعلی در ایران نیست و نمی‌توان آن را مصداق استفاده نظامی از کودکان دانست. اما مسئله اینجا است که در حقیقت آنچه که در سازمان بسیج دانش‌آموزی اتفاق می‌افتد و اهدافی که این سازمان پیگیری می‌کند، بنابر اصول و قوانین دیگر پیمان نامه جهانی حقوق کودک، مشکل‌دار و مخالف و مغایر با اصول و قوانین آموزه‌های آن است.

به عنوان مثال یکی از اساسی‌ترین اصول پیمان نامه جهانی حقوق کودک این است که، حق آزادی فکر و عقیده کودک باید به رسمیت شناخته بشود و تحمیل عقیده به کودکان ممنوع است، اما در عمل ما می‌بینیم نوع آموزش ایدئولوژیکی که در بسیج دانش‌آموزی اتفاق می‌افتد، می‌تواند مصداق تحمیل عقیده به کودک باشد، ضمن اینکه بنابه اصل ۲۹ کنوانسیون جهانی حقوق کودک، آموزش به کودکان باید مطابق با اصول پذیرفته شده جهانی حقوق بشر باشد، که خوب مسلماً آموزش ایدئولوژیکی در بسیج دانش‌آموزی اینگونه نیست. در نتیجه اساساً عضویت دانش‌آموزان در سازمان بسیج دانش‌آموزی اگرچه مغایر با قوانین تصویب شده در ایران نیست، اما مغایر است با متن کنوانسیون جهانی حقوق کودک.

نرسانده، به دلایلی که مشخص نیست، زمانی که قرار شد این پروتکل در مجلس بررسی بشود، بسیاری از نهادها به ویژه سپاه پاسداران به آن اعتراض کردند، که چرا ایران می‌خواهد به این پروتکل اختیاری بپیوندد. به هر حال اگر چه قانون مشخصی در این زمینه نداریم، اما چون ایران پیمان نامه جهانی حقوق کودک را پذیرفته و به تصویب رسانده است، این می‌تواند معیاری برای مسئله کودک سرباز باشد در ایران.

آیا فعالیت سازمان بسیج دانش‌آموزی در ایران و عضویت برخی از دانش‌آموزان در این سازمان می‌تواند مصداق کودک سرباز باشد؟

بحثی که وجود دارد این است که، از منظر حقوقی شاید نتوان در یک دادگاه بین‌المللی، اثبات کرد که عضویت کودکان در بسیج دانش‌آموزی مصداق عینی کودک سربازی است، چرا که مثلاً در تعریف اهداف بسیج دانش‌آموزی، فعالیت‌های نظامی ذکر نشده، یا مثلاً اعضای سازمان بسیج دانش‌آموزی یعنی

استفاده از کودکان در جنگ، جنایت جنگی است



علی اصغر فریدی

استفاده از کودکان زیر ۱۵ سال در مخاصمات مسلحانه را ممنوع اعلام کردند. با گسترش معاهدات حقوق بشری در سال ۱۹۸۹ کنوانسیون حقوق کودک به عنوان پذیرفته‌ترین سند حقوق بین‌الملل بشر به تصویب رسید و در ماده ۳۸ آن، این ممنوعیت استفاده از کودکان در مخاصمات را مورد شناسایی قرار دارد.

جنبش جلوگیری از مشارکت کودکان و نوجوانان در جنگ از دهه هفتاد میلادی شروع شد. ایران در سال ۱۳۵۵ در کنار پاکستان و آمریکا پروتکل الحاقی کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو را امضا کرد که بر اساس آن مشارکت افراد زیر ۱۵ سال در جنگ منع شد. با این حال بعد از پایان جنگ ایران و عراق معاهدات تازه‌ای برای منع بکارگیری کودکان و نوجوانان در جنگ منعقد شدند. از جمله آنها کنوانسیون حقوق کودک بود که ایران در سال ۱۹۹۱ میلادی امضا و در سال ۱۹۹۸ میلادی تصویب کرد.

از این بیش ماده ۷۷ از پروتکل سال ۱۹۷۷ یاد شده تصریح می‌نماید، گسیل داشتن کودکان زیر ۱۵ سال به میدان‌های جنگ و مشارکت آنان در مخاصمات مسلحانه ممنوع گردید، همچنین با تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی در ۱۶ ژوئن ۱۹۹۸ و لازم الاجراء شدن آن در سال ۲۰۰۲ سربازگیری و ثبت نام کودکان زیر ۱۵ سال برای شرکت فعالانه در مخاصمات مسلحانه جرم‌انگاری گردید. با این حال پس از گذشت ۱۰ سال، دیوان نخستین رأی خود مبنی بر قلمداد نمودن این جرم تحت عنوان جنایت جنگی را صادر نمود. حقوق بین‌الملل بشر دوستانه (که با عنوان حقوق جنگ نیز شناخته) در بردارنده دو مفهوم اصلی است:

- نخست اینکه: اعلام می‌کند که هنگام در گرفتن درگیری مسلحانه، حق دولت‌ها و انتخاب روش‌ها و سلاح‌های جنگی نامحدود نیست و آنان تنها می‌توانند از آن دسته از روش‌ها و سلاح‌های جنگی استفاده کنند که رنج زاید و غیر انسانی ایجاد نکنند!

- دوم آنکه: از حیات، سلامت و کرامت انسان‌هایی که در درگیری مشارکت نکرده یا به مشارکت خود در درگیری پایان داده‌اند، شامل غیرنظامیان، اسیران جنگی، مجروحان و بیماران، حمایت می‌کند. بر اساس این دو هدف در گذشته حقوق بین‌الملل بشر دوستانه از دو شاخه جداگانه تشکیل شد:

اول- حقوق لاهه: مجموعه مقرراتی که عموماً در شهر لاهه تنظیم شدند و هدفشان این بود که حق دولت‌ها را در انتخاب روش‌ها و سلاح‌های جنگی محدود نمایند. نمونه این اسناد، معاهدات مصوبه ۱۹۰۸ و ۱۸۹۹ لاهه هستند.

دوم- حقوق ژنو: مجموعه مقرراتی که عموماً در شهر ژنو تنظیم شدند و هدفشان حمایت از افرادی بود که در درگیری‌های مسلحانه شرکت نکرده و یا به مشارکت خود پایان داده‌اند.

برجسته‌ترین اسناد، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در سال ۱۹۴۹

در سال ۲۰۰۷ زمانی که منشور بین‌المللی، منع استفاده نظامی از افرادی که پائین‌تر از سن ۱۸ سال دارند توسط ۱۰۵ کشور جهان در پاریس امضاء شد، بیش از ۲۵۰ هزار سرباز کودک در جهان برآورد شده بود. اما به رغم کنوانسیون‌ها، معاهدات و پیمان‌های بین‌المللی هنوز هم سربازگیری از کودکان در برخی کشورها از جمله ایران، سوریه، یمن، عراق، پاکستان، افغانستان... برای مقاصد نظامی استفاده می‌شود. کودکانی که اگر در این منازعات مسلحانه جان سالن بدر بزنند، سالیان متمادی را با ضربه‌های هولناک روحی زندگی را سپری خواهند کرد. این بخشی از سخنان نیره انصاری حقوقدان و فعال حقوق بشر است در مصاحبه با مجله ما در مورد کودک سربازی که مشروح کامل این مصاحبه در ذیل آمده است.

این روزها و به ویژه در اعتراضات اخیر در ایران، واژه کودک سرباز را زیاد شنیدیم، کودک سرباز به چه معنی است و به چه کسانی گفته می‌شود؟

منظور از کودک سرباز، دختران و پسران کودک یا نوجوان زیر ۱۸ سال هستند که توسط گروه‌های نظامی جذب و در درگیری‌های نظامی به کار گرفته می‌شوند. اگرچه منظور این نیست که این کودکان باید در عملیات نظامی شرکت کنند، بل، بکار گرفتن آنان در امور پشتیبانی مانند پیام رسانی، نگهداری یا سوء استفاده جنسی از آنان و یا ازدواج اجباری نیز شامل این تعریف می‌شود.

در نظام ارزشی جمهوری اسلامی و ادبیات جنگی آن، حضور نوجوانان در جنگ با عراق مایه افتخار است. رغبت بسیاری از نوجوانان برای اعزام به جبهه‌های جنگ نیز افتخاری مضاعف محسوب می‌شود. بحث حقوقی و اخلاقی به کارگیری کودکان و نوجوانان در جنگ کمتر به سطح محافل رسمی و یا رسانه‌های داخل ایران کشیده شده است. اما نحوه جذب و تشویق نوجوانان برای شرکت در جنگ و چند و چون جنگیدن آنها همواره نقل محافل ایرانی بود.

منتقدان جنگ از مواردی سخن می‌رانند که از «شستشوی مغزی» نوجوانان روستایی در مدارس و انداختن «کلید بهشت» بر گردن آنها حکایت می‌کرد. موافقان جنگ نیز به تفصیل جنگاوری‌های خیره کننده‌ای را در جبهه‌های جنگ به نوجوانان ایرانی نسبت می‌دهند.

قوانین داخلی ایران و همچنین قوانین بین‌المللی در مورد سن افراد برای ورود به نیروهای نظامی و انتظامی چه می‌گوید؟

حمایت از کودکان سرباز برای نخستین بار پس از جنگ دوم بین‌المللی، توسط پروتکل‌های اول به عمل آمد و هر کدام به نحوی

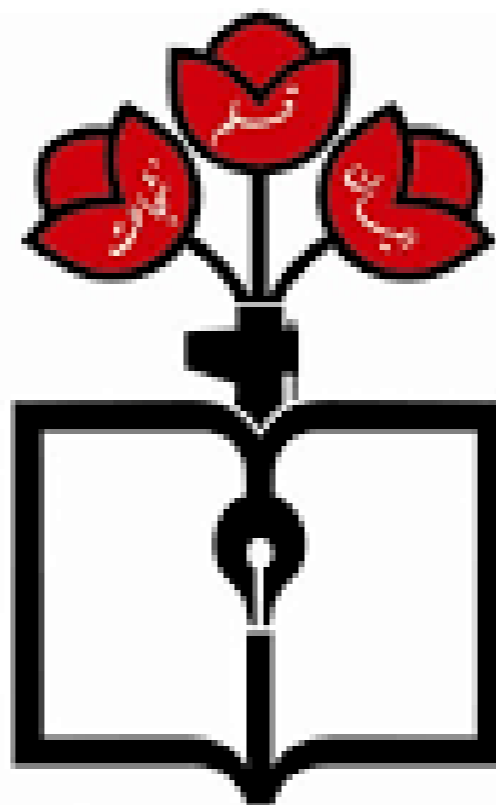
است. البته با تدوین پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون چهارگانه ژنو در سال ۱۹۷۷ که همزمان هر دو گونه مقررات را در خود جای دادند، این تفکیک از میان رفت. پروتکل نخست الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۷۷) به این جهت طراحی شده است که از قربانیان مخاصمات مسلحانه‌ی بین‌المللی و غیر بین‌المللی حمایت کند.

بخش سوم ماده ۵۱ پروتکل یاد شده می‌خواهد غیر نظامیان را از حملات نظامی مصون بدارد، مگر آنکه غیرنظامیان نقشی مستقیم در مخاصمه داشته باشند. در خصوص گروه‌هایی مانند زنان، ماده ۷۶، کودکان، ماده ۷۷، پرسنل پزشکی غیرنظامی. ماده ۵۱ و روزنامه‌نگاران، ماده ۷۹ نیز حمایت ویژه‌ای در نظر گرفته شده است. بنابراین به موجب ماده ۷۷ پروتکل یاد شده، گسیل داشتن کودکان زیر ۱۵ سال به میدان‌های جنگ و مشارکت آنان در مخاصمات مسلحانه ممنوع گردید. همچنین پروتکل اختیاری کنوانسیون کودک در ارتباط با ممنوعیت مشارکت کودکان در میدان‌های جنگ در سال ۲۰۰۲ به تصویب رسید.

افزون بر کنوانسیون‌های یاد شده در بالا در ۱۲ فوریه ۲۰۰۲ سازمان ملل متحد پروتکل الحاقی کنوانسیون حقوق کودک را به تصویب رساند. این پروتکل الحاقی ضروری بود تا بتوان هرچه بیشتر از کودکان و نوجوانان در برابر درگیری‌های نظامی حفاظت کرد. فراخوان روز جهانی مبارزه علیه به کارگیری کودکان سرباز در درگیری‌های نظامی (روز دست سرخ) از سوی سازمان‌های بین‌المللی‌ای همچون عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر مطرح شد.

گزارش «گلدستون»، در سال ۲۰۰۸ در بیان وجوه استراتژی نیروهای اسرائیلی اعلام کرد، ویرانی نامتناسب و خشونت خارج از عرف علیه غیرنظامیان بخشی از یک سیاست عمدی بوده است. همچنین ماده ۵۱ پروتکل الحاقی کنوانسیون‌های ژنو حمله به نظامیان و غیرنظامیان، بدون تفکیک شدن را ممنوع شمرده است. در حقیقت کودکان افزون بر اینکه به عنوان افراد غیرنظامی قربانی مخاصمات می‌شوند به طور مستقیم و غیرمستقیم در مخاصمات شرکت داده می‌شوند و این امر در دهه‌های اخیر نمود بیشتری یافته است.

افزون بر این اسناد، در تقویت حمایت از ممنوعیت استفاده از کودکان در مخاصمات مسلحانه، پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در ارتباط با مشارکت کودکان در میدان‌های جنگ در سال ۲۰۰۲ به تصویب رسید. پیش از این نیز منشور آفریقایی حقوقی و رفاه کودک ۱۹۶۶، اصول و بهترین رهنمودهایی «کیپ - تاون؛ ۱۹۹» و مقاله نامه ۱۹۹۹ سازمان بین‌المللی کار/ILO، در حمایت از ممنوعیت استفاده از کودکان سرباز، مقرراتی را وضع نمود. اگرچه نه تنها هر یک از اسناد یاد شده به حیث ناهنجاری ناقص، بل، سازوکار اجرایی مناسب و کارآمدی نداشتند و استفاده از کودکان سرباز بیش از پیش بود.



سازمان بسیج دانش‌آموزی

با تاسیس دیوان کیفری بین‌الملل در ۱۷ ژوئن ۱۹۹۸ و لازم الاجراء شدن آن در سال ۲۰۰۲، سربازگیری و ثبت نام کودکان زیر ۱۵ سال برای شرکت فعالانه در مخاصمات مسلحانه جرم انگاری گردید. با این حال پس از گذشت ۱۰ سال، دیوان نخستین رأی خود مبنی بر قلمداد نمودن این جرم تحت عنوان جنایت جنگی را صادر نمود. دیوان، رأی صادره را در ۱۴ مارس ۲۰۱۲ در محکومیت «توماس لویانگا»، «کنگویی» به اتهام جنایات جنگی، سربازگیری و ثبت نام کودکان زیر ۱۵ سال برای شرکت فعالانه در مخاصمات داخلی کنگو بین سپتامبر ۲۰۰۲ تا ۱۳ آگوست ۲۰۱۳ صادر نمود. این رأی شروعی بر پایان «بی‌کیفرمانی جنایتکاران» بین‌المللی است. دیوان در رأی خود تفسیری موسع از شرکت کودکان در مخاصمه ارائه داده است که تقریباً هرگونه مشارکت کودکان اعم از مستقیم و غیرمستقیم را در برمی‌گیرد.

بدین‌سان دیوان به موجب اساسنامه خود سن ۱۵ سال را به عنوان معیار کودکی شناسایی می‌کند و این برخلاف کنوانسیون حقوق کودکان است که هر فرد زیر ۱۸ سال را کودک می‌داند.

همچنین در سال ۲۰۰۷ زمانی که منشور بین‌المللی، منع استفاده نظامی از افرادی که پائین‌تر از سن ۱۸ سال دارند توسط ۱۰۵ کشور جهان در پاریس امضاء شد، بیش از ۲۵۰ هزار سرباز کودک در جهان برآورد شده بود. اما به رغم کنوانسیون‌ها، معاهدات و پیمان‌های بین‌المللی هنوز هم سربازگیری از کودکان در برخی کشورها از جمله ایران، سوریه، یمن، عراق، پاکستان، افغانستان... برای مقاصد نظامی استفاده می‌شود. کودکانی که اگر در این منازعات مسلحانه جان سالن بدر برند، سالیان متمادی را با ضربه‌های هولناک روحی زندگی را سپری خواهند کرد.

حال آن که مجلس شورای اسلامی چندین معاهده بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک را با اندارج شرط «حق تحفظ» امضا کرده که حق نادیده گرفتن چنین معاهداتی را در صورت ناهماهنگی آن با قوانین داخلی و مغایرت با موازین شریعت برای خود محفوظ می‌دارد. به این معنا که با توجه به قید «حق شرط تحفظ» این مجلس متعهد به ایفای تعهد نسبت به همه بندها و مواد آن کنوانسیون‌ها نخواهد بود. البته به باور نگارنده از یک سو پذیرش

چنین شرطی از حاکمان اسلامی می‌تواند یکی از ضعف‌های قوانین بین‌المللی در چنین کنوانسیون‌هایی باشد و از دیگر فراز هنوز یک مرجع بین‌المللی معین نشده است تا مانع از اندراج چنین شروطی در معاهدات و کنوانسیون‌ها گردد.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران، طی یک سخنرانی برای اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان در اول اردیبهشت ۱۳۹۵ گفت: حضور قدرتمندانه جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا و جهان، مانع پیشرفت (دشمنان) است. یکی از عرصه‌های حضورمان؛ مساله فلسطین و دیگر عرصه مقاومت در سوریه است. وی در بخش دیگری تأکید بر تربیت و آموزش کودکان و نوجوانان «متدین» انقلابی، شجاع و فداکار» داشته گفت: باید در مدرسه‌ها علاوه بر اهتمام بر امور درسی دانش‌آموزان، فرصت پرداختن به کارهای انقلابی نیز فراهم آید تا نسل جوان انقلابی به بار آید.

به موجب مبحث دوم و اصول یکصد و چهل و سوم تا یکصد و پنجاه و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به موازات نیروی نظامی و ارتش تاسیس گردید، دارای وظایفی هستند و سازمان بسیج مستضعفین نیز عبارت از مجموعه‌ای از شبه‌نظامیان داوطلب که سازمان بسیج دانش‌آموزی نیز یکی از زیرمجموعه سپاه پاسداران و بسیج است.

فراتر از این شرط ورود به نیروی انتظامی حداقل سن ۱۸ سال تمام است. به این معنا که فرد به هیچ وجه نباید کمتر از ۱۸ سال داشته باشد. همین شرط سنی ۱۸ سال تمام در خصوص ورود به نیروی نظامی و ارتش نیز مصداق دارد. مهمترین یگان ویژه پاسداران نیروی انتظامی پلیس بوده و برخی از وظایف آن کنترل اجتماعات، مبارزه با اغتشاشات، شرکت در عملیات‌های ویژه مانند بمب‌گذاری و ... که افراد برای انجام این وظایف باید یکسری مهارت‌ها کسب کنند؛ مانند مهارت در رانندگی عملیاتی، تیراندازی و جنگ افزار شناختی، ایجاد وحشت در مهاجم و ... که هرکدام از این مهارت‌ها آموزش‌های خاصی دارند.

آیا فعالیت سازمان بسیج دانش‌آموزی در ایران و عضویت برخی از دانش‌آموزان در این سازمان می‌تواند مصداق کودک سرباز باشد؟

ابتدا باید ببینیم که کودک سربازان چگونه به خدمت گرفته می‌شوند؟ اشارات به حضور کودکان و نوجوانان در جنگ در متون مذهبی و تاریخی بسیاری ملت‌ها دیده می‌شود. از اسطوره‌های یونان باستان گرفته تا نقاشی‌های مصری‌ها و داستان‌های انجیل، همگی بر وجود سربازان کودک و نوجوان در جنگ‌ها صحنه می‌گذارند. در ایران همین‌گونه اشارات به سربازان و نوجوانان کودک دستمایه تبلیغات بسیار پراحساس در دوران جنگ می‌شد.

جبهه می‌رفتند. اما به رغم وجود کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی دائر بر ممنوعیت عضوگیری کودکان و نوجوانان در جنگ و حملات مسلحانه، در دوران مابین بهمن ۱۳۵۷ و پایان جنگ ۱۳۶۷ هیچ معاهده‌ای را تصویب نکرد که بیانگر منع بکارگیری کودکان و نوجوانان در جنگ باشد.

پس از جنگ، مقامات جمهوری اسلامی با وجود امضا و تصویب این معاهدات همچنان فرهنگ شهادت‌طلبی را بین کودکان و نوجوانان ترویج می‌کنند. بسیج دانش‌آموزی نقش مهمی در این تبلیغات دارد. این موضوع از آن رو مهم است که سازمان‌های دفاع از حقوق کودکان امروز از بکارگیری سربازان نوجوان در حزب الله لبنان سخن می‌رانند. حزب‌الله لبنان بسیاری از آموزش‌های نظامی خود را از سپاه پاسداران دریافت می‌کنند.

استفاده از کودکان در جنگ همواره در فرهنگ عمومی ملت‌ها تا سرحد توصیف آن به عنوان یک «جنایت جنگی» مورد سرزنش قرار گرفته. اما این امر مانع از چنین استفاده‌ای از کودکان سرباز نگشته است.

آیا عضوگیری دانش‌آموزان در سازمان بسیج دانش‌آموزی که زیرمجموعه بسیج و سپاه پاسداران است و سپاه نیز شاخه‌ای از نیروهای مسلح ایران، می‌تواند مغایر با قوانین ایران و نقض حقوق کودکان باشد؟

در وهله نخست؛ مفهوم حق و مسئولیت يك امرعقلانی است. یعنی انسان‌ها در رفتار خود تا چه حد حق دارند و در صورت رفتار غیرعقلانی تا چه میزان مسئول قلمداد می‌شوند. پس بحث عقلانیت «صاحب حق» و «صاحب مسئولیت» مطرح است.

به حیث حقوقی کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی وجود دارد که متناظر بر یک گروه سنی زیر ۱۸ سال (کودک) و گروه سنی بالاتر از سن ۱۸ غیرکوک و بالغ است. چنین گروه‌بندی به حیث عدد برچه مبنایی استوار است؟ در واقع نشان از یک نوع بالغیت عقلانی برای وجود حقوق و مسئولیت‌های ویژه و خاص دارد. به همین جهت درخصوص جرائم کودکان و فرایند تادیب حقوقی آنها در آئین دادرسی کیفری و تعریف کیفرها برای گروه سنی زیر ۱۸ سال، مقررات مربوط به اصلاح و تربیت اعمال می‌گردد. از دیگر فراز جزو حقوق این گروه از کودکان است که تحت نظام آموزشی و پرورشی قرار گیرند تا از آنان یک شهروند و اَبژه مدنی ساخته شود. البته برخی کشورها ممکن است که سن اَبژه مدنی را ۱۶ سالگی اعلام نماید. حال اگر در تاریخ کنوانسیون حقوق کودک و یا مقرراتی اینگونه در حمایت از کودکان هم نبود، اما بصورت هنجارمند یک نوع اخلاق اجتماعی رعایت می‌شده است. از منظری دیگر در یک حکمرانی متمدنانه در بحث

«دفاع ملی» حاکم و حقوق دان در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. حال آنکه در ایران دولت ناکارآمد، ناتوان از مدیریت کشور تحت عنوان مفهوم امنیت-امنیت مرزی و امنیت داخلی، امنیت داخلی خود را با پلیس و قوه قاهره تعریف کرده است. در حقیقت ما در ایران و برخی کشورها مانند عراق با مفهومی بنام «بسیج نیروهای غیرحرفه‌ای» روبرو هستیم. پس از بهمن ۱۳۵۷ جنگی را بر جامعه تحمیل کردند و گروه‌هایی وارد جنگ شدند. گرچه جنگ خود تولید نهاده‌ای نمود که ماهیتش «دفاع» بود یعنی پدافندی‌اش در حوزه ارضی بود. با توجه به نابسامانی وضعیت ارتش در زمان جنگ همانطور که در بالا بیان شد نیرویی را به موازات ارتش تاسیس کرد به نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۱، که همراه با نیرویی داوطلب در گروه‌های سنی مختلف با عنوان بسیج شروع به فعالیت نمودند، آنها برای «دفاع مقدس از تمامیت ارضی» اما این نهاد در شرایط خاص ماهیتش را تغییر داد و از حوزه خارجی به دفاع در مقابل «شهروندان معترض» قرار گرفت. معترضینی که به موجب قانون اساسی (اصل ۲۷) و مقررات موجود دائر بر «حق اعتراض» بطور مدنی اعتراضات خود را علیه «قتل دولتی و سیستماتیک» «مهسا امینی» برگزار کرده‌اند. حال یک تنش بین حوزه معترضین و پلیس شکل گرفته است، پلیس که وظیفه او کاهش خشونت است. آیا در چنین مقطعی حکمران حق دارد که بسیج [نیروهایی که بصورت داوطلب وارد نهاد بسیج شده‌اند] را وارد صحنه و حوزه شهری نماید؟ به باور یک حقوق‌دان روشنفکر چنین اقدامی غیرقانونی محسوب می‌شود زیرا که جان معترضان در خطر است و حکمران و دیگر مسئولان نهاده‌های نظامی، حقوقی، قضایی و اجرایی فاقد چنین دستوری برای ورود این بسیجیان به حوزه شهری و برای مقابله با معترضین مدنی هستند. و اجازه ندارند برای کاهش اعتراضات، سلاح سرد و گرم در اختیار نیروهای انتظامی و بسیج قرار دهند. زیرا روبروی این افراد مردم غیرنظامی، فاقد سلاح و اساساً افراد مدنی هستند. درحقیقت در ایران حکمرانی بد اساساً راهی برای اعتراضات، مطبوعات آزاد، احزاب مدنی و سیاسی باقی نگذاشته است و با بحرانهای ساختاری و مشکلات لاینحل روبروست و این مشکلات را بر جامعه ایران تحمیل نموده است.

آیا می‌توان از سپاه پاسداران و بسیج ایران به دلیل استفاده تبلیغاتی از کودکان با لباس نظامی و آوردن آنها به خیابان‌ها در حین اعتراضات، به نهادهای حقوق بشری و دادگاه‌های بین‌المللی شکایت کرد؟

بنابر آنچه پیشتر گفته شد و بر پایه قوانین، اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی به ویژه کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن، عضوگیری کودک سربازان به استناد مواد ۷ و ۸ اساسنامه رم/دیوان کیفری بین‌المللی مصوب ۱۹۹۸ و اجرای ۲۰۰۲ مصداق روشن جنایت علیه بشریت و از موارد جرائم جنگی محسوب شده و نیز بر پایه مواد ۲۷ همان اساسنامه نسبت به همه افراد بدون در نظر گرفتن سمت رسمی آنها و بدون هیچگونه تبعیضی اجرا می‌شود. بطور مشخص رئیس دولت، نماینده مجلس... از مسئولیت کیفری معاف نخواهند بود. همچنین ماده ۲۸ و بندهای ۱ و ۲ همان منبع تصریح می‌دارد که یک فرمانده نظامی یا شخصی که عملاً وظایف نظامی را انجام می‌دهد و حسب مورد.... واجد مسئولیت کیفری است.

براین اساس می‌توان شکواییه‌ای را علیه مسئولان نظامی و انتظامی که در صدر آن علی‌خامنه‌ای فرمانده کل قوا و دیگر نهادهای حقوقی و قضایی و اجرایی تنظیم و به نهادهای حقوق بشری از جمله به شورای حقوق بشر سازمان ملل، سازمان صلیب سرخ جهانی، صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل، یونیسف، و با توصیه شورای امنیت سازمان ملل متحد به دیوان بین‌المللی دادگستری تسلیم نمود.



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تماس با مجله: mail@iranhr.net